

پیش‌بینی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری تنظیم هیجان

The Prediction of Borderline Personality Characteristics based on Attachment Styles and Self-Differentiation: the Mediating Role of Emotion Regulation

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.17.4.613>

A. Afshani, M.A.

Department Consulting, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran

N. Esmailian, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran

M. Dehghani, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran

M. A. Mazaheri, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran

✉ عبدالملک افشانی

گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی تهران

دکتر نسرین اسماعیلیان

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

دکتر محسن دهقانی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

دکتر محمدعلی مظاهری

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۰

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

Abstract

Borderline personality disorder is a complex and serious mental disorder that contains a pervasive pattern of instability in interpersonal relationships, self-image, emotions, and impulsivity that begins in early adulthood.

✉ Corresponding Author: Department Consulting, Faculty of Psychology and Education, University of Shahid Beheshti, Tehran Iran
Email: malek.afshani1374@gmail.com

چکیده

اختلال شخصیت مرزی، اختلال روانی جدی و پیچیده‌ای است که حاوی یک الگوی فراگیر بی‌ثبات در روابط بین فردی، خودانگاره، عواطف و تکانشگری است که از اوایل بزرگسالی آغاز می‌شود.

✉ نویسنده مسئول: مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره
malek.afshani1374@gmail.com: پست الکترونیکی:

The aim of this study is to predict the characteristics of borderline personality disorder based on their attachment and differentiation styles through emotion regulation. The study population was all students of universities in Tehran with a sample of 372 who were selected using available sampling method. Data collection tools were Drake Short Form of Self-Differentiation Scale (2011), Hazen and Schiver Adult Attachment Questionnaire (1987), Gratz and Roemer Emotional Difficulty Scale (2004), and Borderline Personality Disorder Characteristics Questionnaire. Research data were analyzed using correlation and regression methods. The results showed that the difficulty in regulating emotion as a mediating variable partially affects the relationship between self-differentiation and attachment styles with borderline personality disorder traits. Therefore, in a general conclusion, it can be claimed that attachment styles, self-differentiation were mediated by emotion regulation, may predict the characteristics of borderline personality disorder independently.

Keywords: Borderline Personality, Self-Differentiation, Attachment Styles, Emotion Regulation.

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری تنظیم هیجان انجام شد. این پژوهش غیرآزمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مقاطع مختلف در دانشگاه‌های شهر تهران بودند که ۳۷۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات، مقیاس فرم کوتاه تمایز یافتگی خود دریک (۲۰۱۱)، پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان بشارت (۲۰۱۱)، مقیاس دشواری تنظیم هیجانی گراتز و رومر (۲۰۰۴) و پرسش‌نامه ارزیابی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی بودند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش ضریب همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه بین تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را به‌طور جزئی تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را به‌طور جزئی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو با توجه به نتایج فوق در یک نتیجه‌گیری کلی سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری تنظیم هیجان به‌طور مجزا می‌توانند ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی خود، تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی، شخصیت مرزی

مقدمه

اختلال شخصیت مرزی، اختلال روانی جدی و پیچیده‌ای است که از اوایل بزرگسالی آغاز می‌شود و با الگوی فراگیری از مشکلات در تنظیم هیجان و کنترل تکانه، بی‌ثباتی در روابط بین فردی و خودانگار ضعیف مشخص می‌شود (بتمن و فوناگی^۱، ۲۰۱۰). این اختلال شایع‌ترین اختلال شخصیت در محیط‌های

روان‌پزشکی است (بارلو دوراند^۲، ۲۰۱۲). شیوع میانگین اختلال شخصیت مرزی در جمعیت عمومی بین ۱/۶ درصد تا ۵/۹ درصد برآورد شده است. اکثر افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی (حدود ۵۰ درصد) در دوره سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، به این اختلال مبتلا می‌شوند (محمودعلیلو و شریفی^۳، ۱۳۹۱). به طوری که پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تقریباً ۱۵ درصد از دانشجویان دانشگاه‌ها مبتلا به اختلال شخصیت مرزی هستند (شنوی و پرهارج^۴، ۲۰۱۹).

یکی از مشکلات اصلی که افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، تنظیم هیجانات است (کونکلین و همکاران، ۲۰۰۶). تنظیم هیجان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی، روان‌شناختی، فیزیکی است که در رسیدن به هدف به فرد کمک می‌کند (ویمز و پینا^۵، ۲۰۱۰). افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی در شناسایی، تمیز و یکپارچه کردن هیجانات خود و دیگران مشکل دارند (کرنبرگ^۶، ۱۹۷۵). مشکلات در تنظیم هیجانات می‌تواند خطر ابتلا به اختلال شخصیت مرزی را افزایش دهد (فرناندو^۷ و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که به سبب‌شناسی اختلال شخصیت مرزی پرداخته است نظریه زیستی اجتماعی لینهان^۸ (۱۹۹۳) است. از دید نظریه لینهان افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با نوعی آسیب‌پذیری اولیه در زمینه تنظیم هیجان متولد می‌شوند (آسیب‌پذیری هیجانی) که با یک محیط خانوادگی ناسالم و والدین بی‌کفایت همراه می‌شود (محیط بی‌اعتبارکننده). در نتیجه این همراهی، کودک بسیاری از مهارت‌های لازم در زمینه تنظیم هیجان‌ها و روابط بین فردی را یاد نمی‌گیرد. حاصل نهایی چنین وضعی، شکل‌گیری اختلال شخصیت مرزی است (محمودعلیلو و شریفی، ۱۳۹۱).

سبک‌های دلبستگی، شکل‌گیری و رشد توانمندی‌های مرتبط با راهبردهای تنظیم هیجان را از کودکی تحت تأثیر قرار می‌دهند (اینثورث^۹ و همکاران، ۱۹۷۸؛ بالبی^{۱۰}، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰، ۱۹۸۸؛ بیکر و هورگر^{۱۱}، ۱۹۷۸؛ سروف^{۱۲}، ۲۰۰۰؛ کالکینس و فاکس^{۱۳}، ۲۰۰۲، به نقل از بشارت^{۱۴}، ۱۳۹۲). دلبستگی را می‌توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد (بالبی، ۱۹۸۲). یکی از مؤلفه‌هایی که در افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی منجر به آشفتگی می‌شود، دلبستگی نایمن از نوع اضطرابی است (میکولینسر و شیور^{۱۵}، ۲۰۱۲). سبک دلبستگی نایمن مضطرب و وجود مشکل در تنظیم هیجانی هردو می‌توانند ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند (پورشهریار، علی‌زاده، رجایی‌نیا^{۱۶}، ۱۳۹۷). اسمیت و سوت^{۱۷} (۲۰۲۰) در یک فراتحلیل به بررسی رابطه سبک دلبستگی و اختلال شخصیت مرزی پرداختند که نتایج نشان داد که دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی رابطه قوی دارد. در سال ۲۰۰۴ همچنین ۱۳ مطالعه دلبستگی بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی نشان داد که ارتباط قوی بین اختلال شخصیت مرزی و دلبستگی نایمن وجود دارد و سبک‌های دلبستگی که بیشتر نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را دارند، دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بیمناک^{۱۸} هستند. بررسی‌ها نشان داده که افرادی که دلبستگی نایمن دارند حتی اگر در حال حاضر اختلال شخصیت مرزی ندارند ولی به‌رحال استعداد اختلال شخصیت مرزی را دارند (آگوئر^{۱۹}، ۲۰۱۴). کیم^{۲۰} و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی نقش محافظتی دلبستگی ایمن برای ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی نوجوانان از طریق افزایش استراتژی‌های تنظیم هیجانات مثبت پرداختند. نتایج نشان داد که استراتژی‌های تنظیم هیجانات مثبت و

منفی به‌طور متفاوتی در پیوند بین عدم امنیت دل‌بستگی و ویژگی‌های BPD نقش دارند. دل‌بستگی ایمن با افزایش استراتژی‌های تنظیم هیجان‌های مثبت، برای نوجوانان به‌عنوان محافظی در برابر ابتلا به اختلال شخصیت مرزی عمل می‌کند.

علاوه بر نظریه دل‌بستگی بالبی، نظریه سیستمی خانواده بوئن^{۲۱} نیز بر نقش اصلی پیوند خانواده در رشد خود و در ارتقاء تنظیم هیجانات و روابط متمرکز شده است (هاردی و فیشر^{۲۲}، ۲۰۱۸). در نظریه خانواده‌درمانی بوئن هیجان و فرایند هیجانی خانواده نقش اساسی دارد. بوئن بر نظام هیجانی خانواده و پیشینه آن تأکید دارد که ریشه‌هایش به سازوکارهای خانوادگی خانواده‌های هر یک از والدین حتی خانواده‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برمی‌گردد (شارف^{۲۳}، ۲۰۱۵). مفهوم تمایز یافتگی خود^{۲۴} سنگ بنای نظریه بوئن است. به نظر بوئن «تمایز یافتگی خود» دارای دو بعد درون‌فردی و بین‌فردی است. سطح درون‌فردی میزان توانایی فرد برای تمایز قائل شدن بین فرایندهای احساسی از فرایندهای عقلانی را بیان می‌کند و سطح بین‌فردی تعادل بین استقلال و حفظ روابط نزدیک با دیگران است (بوئن، ۱۹۹۳). تمایز یافتگی خود دارای چهار مؤلفه است: واکنش‌پذیری هیجانی^{۲۵}، جایگاه من^{۲۶}، برش هیجانی^{۲۷} و هم‌آمیختگی با دیگران^{۲۸} (اسکورن و فریدلندر^{۲۹}، ۲۰۱۰). به عقیده بوئن، عامل زیربنایی در پیدایش مشکلات روان‌شناختی، هم‌جوشی هیجانی^{۳۰} است که از یک نسل به نسل بعد منتقل می‌شود و هر چه هم‌جوشی بیشتر باشد، فرد بیشتر توسط نیروهای هیجانی اولیه برنامه‌ریزی می‌شود. افرادی که از برش هیجانی استفاده می‌کنند تمایل به خروج از رابطه و عقب‌نشینی عاطفی را در شرایط پر تنش نشان می‌دهند. درحالی‌که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه‌های هیجانی را به رسمیت شناخته و قادر خواهد بود با هیجانات قوی‌تر روبه‌رو شود و با آن‌ها کنار بیاید (دریک، ۲۰۱۱).

همچنین افرادی که واکنش‌پذیری هیجانی دارند هر چه سطح واکنش‌پذیری هیجانی‌شان بیشتر باشد، بیشتر تحت تأثیر هیجانات قرار می‌گیرند به‌گونه‌ای که واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان بر پایه هیجانات خواهد بود (کر^{۳۱} و بوئن، ۱۹۸۸؛ هوپر و دی‌پوی^{۳۲}، ۲۰۱۰). افراد تمایز نیافته راحت‌تر هیجان‌زده می‌شوند و زندگی آن‌ها تحت تأثیر واکنش نشان دادن به اطرافیان است و همچنین آن‌ها معمولاً به‌طور شتاب‌زده، با فرمانبرداری یا نافرمانی نسبت به سایر افراد واکنش نشان می‌دهند اما شخص تمایز یافته می‌تواند بین فکر کردن و احساس کردن توازن برقرار کند (نیکولز و شوارتز^{۳۳}، ۱۳۹۶).

بوئن (۱۹۷۸) این فرضیه را مطرح کرد که به دلیل تفاوت در فرایندهای هیجانی خانواده اصلی، صفات برجسته‌ای، افراد تمایز یافته و تمایز نیافته را از هم متمایز می‌کند. افرادی که تمایز یافتگی بالا و جایگاه من قوی دارند می‌توانند طیف وسیعی از هیجانات را تنظیم کنند و به‌خوبی با استرس کنار می‌آیند و احساس واضحی از خود دارند. اما از سوی دیگر، افراد با تمایز یافتگی ضعیف از طریق واکنش عاطفی یا برش هیجانی به دیگران پاسخ می‌دهند و در تنظیم هیجانات دچار مشکل می‌شوند (بوئن، ۱۹۷۸). آن‌ها به‌طور مداوم به دنبال تأیید و پذیرش دیگران هستند. علاوه بر این، افراد با تمایز ضعیف تمایل دارند میزان بالاتری از مشکلات روانی و جسمی را تجربه کنند و همچنین به تجربه روابط اجتماعی ناخوشایند تمایل دارند (اسکورن و فریدلندر، ۱۹۹۸؛ اسکورن، ۲۰۰۰). زکی^{۳۴} و همکاران (۲۰۱۳) در یک پژوهش به این نتیجه رسیدند که تمایز یافتگی احساسی می‌تواند خودزنی را در افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی پیش‌بینی کند و همچنین

تمایز یافتگی هیجانی می‌تواند به‌عنوان عامل محافظ در برابر خودزنی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی عمل کند. نتایج تحقیقات نشان داده است که بین سطح تمایز یافتگی خود و دشواری تنظیم هیجانی رابطه معکوسی وجود دارد (فدائی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین گولر و کاراکا^{۳۵} (۲۰۲۰) در یک پژوهش به بررسی نقش تمایز یافتگی خود در تنظیم هیجان‌ات پرداختند که نتایج نشان داد تمایز یافتگی خود از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌نظمی هیجانی است. آن‌ها همچنین پیشنهاد کرده‌اند که برای بهبود تنظیم هیجان‌ات، لازم است روی افزایش سطوح تمایز یافتگی خود کار شود.

تحقیقات در مورد تأثیر هر یک از مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود و تنظیم هیجانی و سبک‌های دلبستگی به‌صورت جداگانه بر روی اختلال شخصیت مرزی انجام شده است. اسکورن و دندی^{۳۶} (۲۰۰۴) ادعا کرده‌اند که دلبستگی ایمن و تمایز یافتگی خود در پیشینه تحقیق به جای هم به کار می‌روند. تمایز یافتگی خود، مستلزم توانایی کسب نوعی حس خودمختاری است و دلبستگی ایمن، توانایی دستیابی خودمختار به حمایت در زمان استرس است. بین سبک‌های دلبستگی و ابعاد تمایز یافتگی خود نیز رابطه وجود دارد و بیشترین ارتباط بین دلبستگی اجتنابی با برش هیجانی، و دلبستگی اضطرابی با واکنش‌پذیری هیجانی است (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴). کربلایی مهریزی^{۳۷} و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی مشکلات بیشتری در تمایز یافتگی خود و انسجام خود و در مجموع هسته خود، نسبت به افراد مبتلا به اختلال دوقطبی و افراد بهنجار دارند.

به عقیده لسیج^{۳۸} و همکاران (۱۹۹۴) با تشخیص به موقع اختلال شخصیت مرزی می‌توان از درصد بزرگی از خودکشی جوانان که به‌طور چشمگیری افزایش یافته است پیشگیری کرد. از آنجایی که اختلال شخصیت مرزی با سایر اختلالات روانی همبودی زیادی دارد و افراد مبتلا به این اختلال برای خود و جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیر روانی و اجتماعی در پی دارند این مسئله ضرورت و اهمیت تحقیق در حوزه اختلال شخصیت مرزی را دوچندان می‌کند. از طرفی با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با پژوهش حاضر، اغلب مطالعات تنها رابطه یکی از متغیرهای سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تنظیم هیجان‌ات را با اختلال شخصیت مرزی بررسی کرده‌اند و تحقیقات محدودی به‌طور هم‌زمان تأثیر سه متغیر سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تنظیم هیجانی بر اختلال شخصیت مرزی را - آن‌هم به‌صورت یک مدل - بررسی نموده‌اند. استفاده از مدل علاوه بر اینکه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را به‌طور هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌دهد دیدی روشن و شفاف از روابط متغیرها ارائه می‌دهد و باعث می‌شود که پیچیدگی‌ها و زوایای تاریک از بین برود. چنین پژوهشی تا آنجا که محققان مطلع هستند در کشور ایران انجام نشده است. لذا با توجه به تأثیر عوامل مختلف بر اختلال شخصیت مرزی، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که آیا سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی خود، هر کدام به‌طور مجزا، با میانجی‌گری تنظیم هیجان می‌توانند ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند؟ بنابراین پژوهش حاضر فرض می‌کند که (۱) تنظیم هیجان در رابطه بین تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی نقش میانجی دارد، و (۲) تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی نقش میانجی دارد.

روش پژوهش

جامعه پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مقاطع مختلف در دانشگاه‌های شهر تهران بود. انتخاب دانشجویان به‌عنوان نمونه به این دلیل صورت گرفته است که اختلال شخصیت مرزی در سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی بیشترین میزان شیوع را دارد (انجمن روان‌شناسی آمریکا^{۳۹}، ۲۰۱۳). نمونه پژوهش ۳۷۲ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران بود که از دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تربیت مدرس، علامه طباطبایی، هنر، علم و فرهنگ، آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی، آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، صدا و سیما و صنعتی امیرکبیر انتخاب شدند. به دلیل شیوع ویروس کرونا در زمان نمونه‌گیری، انتخاب نمونه به شیوه در دسترس و آنلاین انجام شد. از ملاک‌های ورود نمونه در پژوهش می‌توان به فارسی زبان بودن و اشتغال به تحصیل در دانشگاه‌های ایران اشاره کرد. دانشجویان رشته روان‌شناسی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از نمونه پژوهش کنار گذاشته شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات با ذکر روایی و پایایی آن‌ها

در این پژوهش از چهار پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات درباره متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود: **مقیاس فرم کوتاه تمایز یافتگی خود^{۴۰} دریک^{۴۱} (۲۰۱۱)**: یک مقیاس ۲۰ گویه‌ای بر اساس پرسش‌نامه تجدیدنظر شده اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) است. شرکت‌کنندگان به این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس شش‌گزینه‌ای لیکرت از کاملاً نادرست (نمره یک) تا کاملاً درست (نمره شش) پاسخ می‌دهند. این پرسش‌نامه چهار خرده‌مقیاس دارد که عوامل درون‌روانی (شامل موقعیت من و واکنش‌پذیری هیجانی) و عوامل بین‌فردی (شامل برش هیجانی و هم‌جوشی با دیگران) را اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا در مقیاس کل و موضع من نشانگر تمایز بالا و موضع شخصی مستحکم‌تر است و نمرات بالا در مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی، برش هیجانی و هم‌جوشی با دیگران بیانگر واکنش هیجانی و برش هیجانی و هم‌جوشی بالا است. مجموع نمرات، نمره کل تمایز یافتگی را نشان می‌دهد و نمرات بالاتر در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده سطح تمایز یافتگی بالاتر است. دریک (۲۰۱۱) پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آورده است. فخاری^{۴۲} و همکاران (۱۳۹۳) در یک پژوهش به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی پرداختند که نتایج نشان داد که ضرایب همبستگی عامل‌های مقیاس تمایز یافتگی (جایگاه من، واکنش‌پذیری هیجانی، هم‌آمیزتگی با دیگران و برش هیجانی) با نمره کل به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۳، ۰/۸۲ و ۰/۵۷ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند که به‌عنوان شاخصی از روایی سازه تلقی می‌شود. مقیاس مذکور حائز شرایط لازم برای سنجش تمایز یافتگی خود است و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد جهت سنجش تمایز یافتگی خود در جامعه ایرانی و به‌خصوص دانشجویان استفاده شود (فخاری و همکاران، ۱۳۹۳).

مقیاس دلبستگی بزرگسالان^{۴۳} (AAD): هازن و شیور^{۴۴} (۱۹۸۷) ساخته‌اند و در ایران بشارت (۱۳۹۲، ۲۰۱۱) روی نمونه‌های دانشجویی و جمعیت عمومی هنجاریابی کرده است. این پرسش‌نامه ۱۵ گویه دارد که سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (نمره

۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) می‌سنجد و به هر سبک دلبستگی ۵ گویه تعلق می‌گیرد (بشارت، ۲۰۱۱). حداقل و حداکثر نمرات در هر زیر مقیاس به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. هازن و شیور (۱۹۸۷) پایایی به روش بازآزمایی کل این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و پایایی با روش آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. در هنجاریابی بشارت (۲۰۱۱) ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد. همچنین در هنجاریابی رحیمیان بوگر^{۴۵} و همکاران (۱۳۸۶) روی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان ضریب آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس سبک ایمن ۰/۷۷، در خرده‌مقیاس سبک اجتنابی ۰/۸۱، در خرده‌مقیاس سبک دوسوگرا ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد. اعتبار صوری و محتوایی این پرسش‌نامه نیز با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پنج نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب همبستگی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۳ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دوسوگرا به دست آمد (رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۶).

مقیاس دشواری تنظیم هیجانی^{۴۶} (DERS): گراتز و رومر^{۴۷} (۲۰۰۴) آن را ساخته‌اند. این پرسش‌نامه یک مقیاس ۳۶ سؤال است که سطوح نقص و نارسایی تنظیم هیجانی فرد را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) در شش زمینه به شرح زیر می‌سنجد: نپذیرفتن هیجان‌های منفی، دشواری در انجام رفتارهای هدفمند مواقع درماندگی، دشواری در مهار رفتارهای تکانشی مواقع درماندگی، دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش تنظیم هیجانی، ناآگاهی هیجانی و نبود شفافیت هیجانی (بشارت ۱۳۹۷). نمرات بالاتر به معنای دشواری بیشتر در تنظیم هیجان هستند. حداقل نمره ۳۶ و حداکثر ۱۸۰ است. گراتز و رومر (۲۰۰۴) در پژوهش خود به نتایج مطلوبی در زمینه بررسی روایی و پایایی این مقیاس دست یافته‌اند. کرمانی مامازندی و طالع‌پسند (۱۳۹۷) یک پژوهش برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دشواری تنظیم هیجان در دانشجویان دانشگاه سمنان انجام داده‌اند که نتایج حاصل از بررسی نشان داد که اعتبار این مقیاس با استفاده از روش همسانی درونی و ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۷۵ است که نشان از اعتبار قابل قبول نسخه فارسی این مقیاس است.

۴. پرسش‌نامه ارزیابی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی^{۴۸} (PAI-BOR): موری^{۴۸} (۱۹۹۱) آن را ساخته است. این پرسش‌نامه یک ابزار خودگزارشی ۲۴ ماده‌ای است که برای ارزیابی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی طراحی شده است. این ابزار برای افراد ۱۸ سال به بالا ساخته شده و جهت ارزیابی اختلال شخصیت مرزی در نمونه‌های بالینی و غیربالینی مفید است. شاخص مذکور چهار خرده‌مقیاس بی‌ثباتی عاطفی، مشکلات هویتی، روابط بین‌فردی و آسیب زدن به خود را می‌سنجد. از افراد خواسته می‌شود که در یک طیف چهاردرجه‌ای لیکرت از غلط یا کاملاً نادرست (نمره صفر) تا کاملاً صحیح (نمره ۳) پاسخ‌های خود را ثبت کنند. این مقیاس یک نمره کل دارد و چهار خرده‌مقیاس دارد اما نمی‌توان خرده‌مقیاس‌ها را به‌طور مجزا مورد استفاده قرار داد. همه پاسخ‌ها باهم جمع می‌شوند و نمره ویژگی‌های مرزی به دست می‌آید. نمرات بالاتر در این شاخص نشان‌دهنده سطوح بالایی از علائم اختلال شخصیت مرزی و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده علائم کمتر این اختلال است. نمره برش در این شاخص، نمرات بالاتر از ۳۷ است. به این ترتیب،

افرادی که در این شاخص نمره ۳۸ و بالاتر به دست می‌آورند از نظر بالینی دارای ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی در نظر گرفته می‌شوند. روایی این مقیاس در پژوهش ترال (۱۹۹۵)، ۰/۹۱، و ضریب همسانی درونی ۰/۷۶ به‌دست آمد که نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب این شاخص در خارج از کشور است. ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی در ایران را اسماعیلیان، دهقانی، مرادی و خطیبی^{۵۰} (۲۰۱۹) بررسی کرده‌اند. به این ترتیب که بعد از آماده شدن نسخه فارسی این ابزار، برای ارزیابی روایی محتوا، ۱۹ متخصص (۱۷ دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه و دو عضو هیأت علمی) فرم‌های شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) را تکمیل کردند. به عبارت دیگر، فرم CVI که در خصوص ساده، واضح و مربوط بودن سؤالات اطلاعاتی فراهم می‌آورد توسط ۸ متخصص، و فرم CVR که سودمند بودن یا نبودن سؤالات را ارزیابی می‌کند توسط ۱۱ متخصص روان‌شناس تکمیل شد. بعد از تکمیل فرم‌های CVI و CVR، نتایج به‌دست‌آمده با نتایج موجود در جدول لاوشه (۱۹۷۵) مقایسه شد. مقایسه شاخص‌ها نشان داد که ابزار PAI-BOR از روایی محتوا برخوردار است (اسماعیلیان و همکاران، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، نتایج به‌دست‌آمده از فرمول‌های این دو شاخص از نتایج جدول لاوشه بالاتر بود و نشان داد که متخصصان آیت‌های این پرسش‌نامه را به‌اندازه کافی ساده، واضح، مربوط و سودمند دانسته‌اند. بعد از بررسی روایی ظاهری و محتوا، ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار با استفاده از نرم‌افزار AMOS در یک نمونه ۳۹۶ نفری مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های برازش برای این پرسش‌نامه در این پژوهش مطلوب گزارش شد (اسماعیلیان و همکاران، ۲۰۱۹).

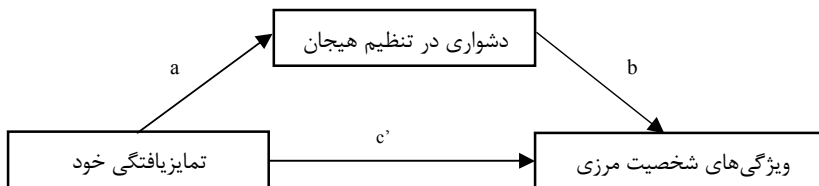
بیان یافته‌ها

بر اساس یافته‌های توصیفی از ۳۷۲ نفر که در پژوهش شرکت کرده بودند ۲۶۵ نفر زن (۷۱/۲ درصد) و ۱۰۷ مرد (۲۸/۸ درصد) بودند که در بین شرکت‌کنندگان ۶ نفر دانشجوی مقطع فوق‌دیپلم (۱/۶ درصد)، ۱۶۸ دانشجوی مقطع کارشناسی (۴۵/۲ درصد)، ۱۸۲ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد (۴۸/۹ درصد)، و ۱۵ دانشجوی مقطع دکتری (۴ درصد) قرار داشتند و یک نفر (۰/۳ درصد) نیز مقطع تحصیلی خود را مشخص نکرده بود.

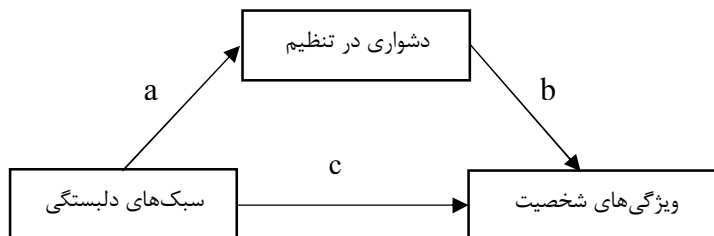
قبل از تحلیل داده‌ها، به منظور آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل، از پیش‌پردازش‌های تحلیل داده‌ها استفاده شد، به این ترتیب که ابتدا شناسایی داده‌های پرت و مدیریت آن‌ها، و سپس شناسایی داده‌های از دست رفته و مدیریت آن‌ها در دستور کار قرار گرفت. برای شناسایی داده‌های پرت از شاخص چولگی و کشیدگی سؤالات استفاده شد. به این ترتیب که اگر چولگی خارج از محدوده (۳ و -۳) و کشیدگی خارج از محدوده (۵ و -۵) قرار داشت، داده‌ها به‌عنوان داده پرت شناسایی شده و از پژوهش کنار گذاشته می‌شدند (کلین، ۲۰۰۵). خوشبختانه هیچ یک از داده‌ها در خارج از بازه مذکور قرار نداشتند و هیچ داده پرتی در این پژوهش شناسایی نشد. از آن جایی که پرسش‌نامه‌ها به صورت آنلاین توزیع شده و فرم پرسش‌نامه در صورت وجود سؤال پاسخ داده نشده، ثبت نمی‌گردید هیچ داده از دست رفته‌ای نیز در سؤالات متغیرهای پژوهش مشاهده نشد. همچنین با توجه به نظر کلین (۲۰۰۵) برای تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی استفاده می‌شود، به این صورت که برقراری حدود چولگی و کشیدگی سؤالات و

شاخص‌ها، شرط لازم است و بررسی چولگی و کشیدگی متغیرها و رعایت حدود آن، شرط کافی است. خوشبختانه کلیه ضرایب چولگی بین ۳- و ۳ و کلیه ضرایب کشیدگی بین ۵- و ۵ است. بنابراین شرط لازم برای نرمال بودن توزیع داده‌ها وجود دارد.

برای سنجش نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان در پژوهش حاضر از روش بارن و کنی (۱۹۸۶) استفاده شده است. در روش بارن و کنی^{۵۱} (۱۹۸۶)، برای سنجش نقش میانجی یک متغیر چهار گام مطرح شده است که در مورد متغیرهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی (متغیر مستقل) با دشواری در تنظیم هیجان (متغیر میانجی) همبستگی دارند (مسیر a)؛ ۲. دشواری در تنظیم هیجان (متغیر میانجی) با ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی (متغیر وابسته) همبستگی دارد (مسیر b)؛ ۳. تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی (متغیر مستقل) با ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی (متغیر وابسته) همبستگی دارند (مسیر c)؛ ۴. رابطه بین تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی با ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی با وارد کردن دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی تغییر کرده است (c'). شکل ۱ نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین تمایزیافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی؛ و شکل ۲ نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را به تصویر می‌کشد.



شکل ۱: نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین تمایزیافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی



شکل ۲: نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی

مطابق با نظر بارن و کنی (۱۹۸۶)، زمانی که مسیر C معنادار باشد و بعد از وارد شدن متغیر میانجی نیز معناداری خود را حفظ کند، به شرطی که ضرایب a و b معنادار باشند می‌توان میانجی‌گری جزئی متغیر میانجی را تأیید کرد. سه گام اول مربوط به رابطه بین متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

ضرایب همبستگی										متغیرها
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	۱. دل بستگی ایمن
								۱	-۰/۷۴	۲. دل بستگی نایمن اجتنابی
							۱	۰/۲۷	-۰/۱۸	۳. دل بستگی نایمن دوسوگرا
						۱	۰/۴۷	۰/۲۹	-۰/۱۷	۴. دشواری در تنظیم هیجان
				۱	-۰/۵۳	-۰/۳۱	-۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۱۳	۵. جایگاه من
			۱	-۰/۳۳	-۰/۴۴	-۰/۴	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۶. هم‌جوشی با دیگران
		۱	-۰/۱۸	-۰/۱۱	-۰/۳۳	-۰/۱۱	-۰/۵۵	۰/۳۲	۰/۳۲	۷. برش هیجانی
		۱	۰/۲۷	۰/۶۶	۰/۳	-۰/۵۴	-۰/۳۹	-۰/۱۷	۰/۱۱	۸. واکنش‌پذیری هیجانی
	۱	-۰/۸۳	-۰/۵	-۰/۸	-۰/۶۴	-۰/۶۷	-۰/۴۵	-۰/۲۶	-۰/۱۹	۹. تمایز یافتگی خود
۱	-۰/۶۲۴	-۰/۴۹۲	-۰/۳۳	-۰/۴۲۳	-۰/۴۸۸	۰/۶۹	۰/۴۹۷	۰/۲۶	-۰/۲	۱۰. ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی

* خانه‌های خاکستری نشان‌دهنده رابطه همبستگی معنادار بین دو متغیر است.

همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد گام‌های اول، دوم و سوم تأیید شده است یا به عبارتی هر سه مسیر a, b و c بر اساس مدل بارن و کنی معنادار است. به این ترتیب می‌توان اثر میانجی متغیر دشواری در تنظیم هیجان را مورد آزمون قرار داد. برای تعیین نقش میانجی متغیر دشواری در تنظیم هیجان بر رابطه بین تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی، و همچنین برای تعیین نقش میانجی متغیر دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دل بستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی، از تحلیل رگرسیون دو گامی استفاده شد که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون اثر میانجی دشواری در تنظیم هیجان بر رابطه بین تمایز یافتگی

خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی

شاخص					گام‌های تحلیل رگرسیون
P	t	β	SEB	B	
					گام اول
۰/۰۰۰۱	-۱/۲۵	-۰/۳۵	۰/۰۵۶	-۰/۴۷	تمایز یافتگی خود ($R^2 = ۰/۴۱$)
۰/۱	-۱/۶۵	-۰/۰۹	۰/۰۷۲	-۰/۱۲	هم‌جوشی با دیگران
۰/۰۰۰۱	-۴/۸۵	-۰/۲	۰/۰۷۲	-۰/۳۵	برش هیجانی
۰/۰۰۰۱	-۴/۹۳	-۰/۲۷	۰/۰۶۸	-۰/۳۴	واکنش‌پذیری هیجانی
					گام دوم
۰/۰۰۰۱	-۳/۹۸	-۰/۱۷	۰/۰۵۶	-۰/۲۲	تمایز یافتگی خود
۰/۲۲	-۱/۲۴	-۰/۰۶	۰/۰۶۴	-۰/۰۸	هم‌جوشی با دیگران
۰/۰۰۳	-۲/۹۶۳	-۰/۱۱	۰/۰۶۶	-۰/۲	برش هیجانی
۰/۰۳۷	-۲/۰۹۶	-۰/۱۱	۰/۰۶۴	-۰/۱۴	واکنش‌پذیری هیجانی
۰/۰۰۰۱	۹/۸۲	۰/۴۸۲	۰/۰۱۴	۰/۱۳۴	دشواری در تنظیم هیجان ($R^2 = ۰/۵۳$, $\Delta R^2 = ۰/۱۲$)

همان‌طور که جدول ۲ نشان داده شده است، با وارد شدن دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی در مدل رگرسیون، ضریب بتا برای رابطه بین ابعاد تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی تغییر کرده است، به این ترتیب که در «جایگاه من» از $0/35-$ به $0/17-$ ، در «برش هیجانی» از $0/2-$ به $0/11-$ ، و در «واکنش پذیری هیجانی» از $0/27-$ به $0/11-$ تغییر کرده است. آزمون سوبل نشان می‌دهد که این تغییر معنادار است ($P < 0/001$ ، $t = 4/41$)، و این در حالی است که رابطه بین این ابعاد تمایز یافتگی خود با ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی با وارد کردن متغیر دشواری در تنظیم هیجان همچنان معنادار باقی مانده است ($P < 0/05$) و همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، مؤلفه جایگاه من از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برخوردار است، بنابراین نتایج نشان می‌دهد که دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه بین تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را به‌طور جزئی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون اثر میانجی دشواری در تنظیم هیجان بر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی

شاخص					گام‌های تحلیل رگرسیون
P	t	β	SEB	B	
					گام اول
					سبک‌های دلبستگی ($R^2 = 0/266$)
0/51	-0/65	-0/044	0/138	-0/09	ایمن
0/13	1/52	0/104	0/109	0/165	اجتنابی
0/0001	9/95	0/462	0/081	0/81	دوسوگرا
					گام دوم
					سبک‌های دلبستگی
0/1	-1/64	-0/089	0/11	-0/18	ایمن
0/58	-0/55	-0/031	0/089	-0/05	اجتنابی
0/0001	5/16	0/213	0/073	0/375	دوسوگرا
0/0001	14/1	0/587	0/012	0/163	دشواری در تنظیم هیجان ($R^2 = 0/524$ ، $\Delta R^2 = 0/258$)

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، با وارد شدن دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی در مدل رگرسیون، ضریب بتا برای رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی از $0/46$ به $0/21$ کاهش یافته است. آزمون سوبل نشان می‌دهد که این تغییر معنادار است ($P < 0/001$)، $t = 8/13$ ، این در حالی است که این رابطه همچنان معنادار باقی مانده است ($P < 0/001$ ، $t = 5/16$). بنابراین نتایج نشان می‌دهد که دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را به‌طور جزئی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به این نتایج فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری تنظیم هیجان بود. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد ابعاد تمایز یافتگی خود با

میانجی‌گری تنظیم هیجان می‌تواند ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های گولر و کاراکا^{۵۲} (۲۰۲۰)؛ اسکورن و همکاران (۲۰۲۰)؛ دریک (۲۰۱۱) و زکی^{۵۳} و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. همچنین یافته‌ها نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی با میانجی‌گری تنظیم هیجان می‌توانند ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند که با نتایج پژوهش‌های کائورین^{۵۴} و همکاران (۲۰۲۰)؛ کیم و همکاران (۲۰۱۵)؛ گامبین^{۵۵} و همکاران، (۲۰۲۰)؛ کالی^{۵۶} و همکاران (۲۰۱۱)؛ لیوت^{۵۷} (۲۰۱۲)؛ کیم و همکاران (۲۰۱۴)؛ فوناگی و همکاران (۲۰۱۱)؛ رزنستین و همکاران^{۵۸} (۲۰۱۸)؛ فن دایک و فورد^{۵۹} (۲۰۱۵) و بشارت و همکاران (۱۳۹۴) همسو است.

در تبیین احتمالی نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه تمایز یافتگی خود و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی می‌توان به این نکته اشاره کرد که افرادی که دارای تمایز یافتگی بالا و جایگاه من قوی هستند تعریفی روشن از خود و عقایدشان دارند و در موقعیت‌های بسیار شدید عاطفی بر اساس فکر و منطق عمل می‌کنند و در شناسایی و تنظیم هیجانات توانمندی خوبی دارند، درحالی‌که افراد تمایز نیافته که دارای برش هیجانی و واکنش‌پذیری هیجانی هستند در چنین موقعیت‌هایی کنترل رفتار خود را از دست می‌دهند و اضطراب و ترس زیادی را تجربه می‌کنند و به‌شدت از خود انتقاد می‌کنند و تفکرات فاجعه‌آمیزی را در موقعیت‌های استرس‌زا نشخوار می‌کنند. این افراد در تنظیم هیجانات مشکل دارند و به دیگران از طریق واکنش عاطفی یا برش هیجانی پاسخ می‌دهند (بوئن، ۱۹۷۸). به عقیده بوئن، عامل زیربنایی در پیدایش مشکلات روان‌شناختی، هم‌جوشی هیجانی است که متضاد تمایز یافتگی است و در تمایز خود از خانواده اختلال ایجاد می‌کند (پروچاسکا و نورکراس^{۶۰}، ۲۰۱۸).

به نظر بوئن (۱۹۶۶) افراد دارای بیشترین هم‌جوشی بین افکار و احساسات خود، قادر به تنظیم هیجانات خود به شیوه‌ای مؤثر نیستند. لینهان (۱۹۹۳) معتقد است که واکنش‌پذیری هیجانی یکی از ویژگی‌های بارز افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی است. از طرفی واکنش‌پذیری هیجانی یکی از مؤلفه‌های اصلی تمایز یافتگی خود است که طبق نظریه بوئن افرادی که تمایز یافتگی پایینی دارند دچار واکنش‌پذیری هیجانی هستند، این افراد قادر به تفکیک احساس از تفکر نیستند (بوئن، ۱۹۹۳؛ کر و بوئن ۱۹۸۸) از طرفی نتایج پژوهش حاضر هم این مطلب را تأیید می‌کند.

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه‌های هیجانی را به رسمیت می‌شناسد و قادر خواهد بود با هیجانات قوی‌تر روبه‌رو شود و با آن‌ها کنار بیاید و همچنین تمایز یافتگی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظ در برابر خودزنی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی عمل کند اما از طرف دیگر تمایز نیافتگی خود از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌نظمی هیجانی است (اسکورن و همکاران، ۲۰۲۰؛ دریک، ۲۰۱۱؛ گولر و کاراکا، ۲۰۲۰؛ زکی و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش حاضر هم این مطلب را تأیید می‌کند که تمایز یافتگی خود پایین با اثرگذاری روی هیجانات باعث شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیت مرزی می‌شوند. بنابراین افرادی که تمایز یافتگی بالا و جایگاه من قوی دارند در روابط نزدیک و صمیمانه به‌طور کارآمد عمل می‌کنند و می‌توانند از راهبردهای کارآمد تنظیم هیجانی استفاده کنند، اما افراد دارای تمایز یافتگی پایین که دارای برش هیجانی، واکنش‌پذیری هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران هستند در برخورد با مشکلات و در روابط صمیمانه به صورت کاملاً هیجانی و غیرمنطقی عمل می‌کنند که

باعث می‌شود دائماً اضطراب مزمنی را تجربه کنند و در موقعیت‌های اضطراب‌زا و نامناسب واکنش‌های شدیدی را از خود بروز می‌دهند و از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی پیروی می‌کنند که بر هیجان‌های منفی تأکید می‌ورزند و تجربه‌های هیجانی را سرکوب می‌کنند و استفاده کردن از این راهبردهای تنظیم هیجانی منفی ویژگی‌های اختلال شخصیتی مرزی را تشدید خواهد کرد. پس تمایز یافتگی بالا از طریق تنظیم هیجان‌ها باعث کاهش ویژگی‌های شخصیت مرزی همچون بی‌ثباتی هیجانی، روابط منفی، خودزنی و مشکلات هویتی می‌شود و از طرفی تمایز یافتگی خود پایین با ایجاد اختلال در تنظیم هیجان‌ها باعث افزایش ویژگی‌های شخصیت مرزی همچون بی‌ثباتی هیجانی، روابط منفی، خودزنی و مشکلات هویتی خواهد شد.

در تبیین احتمالی یافته‌های مربوط به نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت مرزی، می‌توان به نقش سبک‌های دلبستگی، در شکل‌گیری و رشد توانمندی‌های مرتبط با راهبردهای تنظیم هیجان اشاره کرد (اینثورث و همکاران ۱۹۷۸؛ بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰؛ بیکر و هورگر، ۱۹۷۸؛ سروف، ۲۰۰۰؛ کالکینس و فاکس، ۲۰۰۲؛ به نقل از بشارت، ۱۳۹۲). امنیت دلبستگی نقش مهمی در توسعه استراتژی‌های تنظیم هیجان‌ها سازگار دارد (گامبین و همکاران، ۲۰۲۰). افرادی که دلبستگی ایمن دارند، در تنظیم هیجان‌ها موفق هستند و احساس اعتماد به نفس بالا و کارآیی درونی بالاتری دارند و استقلال‌شان را بدون ترس از طرد شدن بیان می‌کنند (گلد برگ، ۲۰۰۰). در مقابل، افراد با دلبستگی نایمن اغلب اعتماد کمی به ثبات ارتباطات خود دارند و در روابط خود از راهبردهای کارآمد تنظیم هیجان استفاده نمی‌کنند، به عبارت دیگر دلبستگی نایمن در روابط بین‌فردی را با خشم نامناسب بیان می‌کنند که نشان از نبود تنظیم هیجان است (دیاموند و استرن، ۲۰۰۳). این بی‌ثباتی در روابط بین‌فردی و خشم تکانشی که در افراد با دلبستگی نایمن مشاهده می‌شود، با معیارهای تشخیصی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۲۰۱۳) از ویژگی‌های افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی نیز منطبق است. طبق نظریه درمان هیجان‌مدار^۱ (EFT) توانایی‌های تنظیم هیجان‌ها افراد شدیداً تحت تأثیر تجربیات دلبستگی اولیه است. به عبارت دیگر، اگر تجربیات دلبستگی اولیه افراد ایمن باشد می‌توانند هیجان‌ها خودشان را به‌طور سازگاری تنظیم کنند اما اگر این تجربیات نایمن باشد، فرد نمی‌تواند از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان استفاده کند (الیوت، ۲۰۱۲). از طرفی ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها می‌تواند باعث رشد ویژگی‌های شخصیت مرزی شود. همسو با این نظریات نتیجه تحقیق فن دایک و فورد (۲۰۱۵) نشان داد که دلبستگی نایمنی از طریق ایجاد مشکلاتی در تنظیم هیجان‌ها، در شکل‌گیری اختلال شخصیت مرزی نقش دارد. کیم و همکاران (۲۰۱۵) ادعا کرده‌اند که بدتنظیمی هیجانی و اختلال در دلبستگی، از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز اختلال شخصیت مرزی هستند و پیوند قوی بین اختلال شخصیت مرزی، بی‌نظمی هیجانی و دلبستگی وجود دارد. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که دلبستگی ایمن با افزایش استراتژی‌های تنظیم هیجان‌های مثبت، برای نوجوانان به‌عنوان یک محافظ در برابر ابتلا به اختلال شخصیت مرزی عمل می‌کند و از طرفی شکل‌گیری دلبستگی نایمن در دوران کودکی منجر به مشکلاتی در شکل‌گیری هویت و تنظیم هیجان می‌شود که در افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی نیز شایع است (کیم و همکاران، ۲۰۱۴؛ فوناگی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند که تنیدگی را به حداقل

می‌رساند و هیجان‌های مثبت را فعال می‌سازد (میکولینسر و فلورین^{۶۲}، ۲۰۰۳). اما افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی پیروی می‌کنند که بر هیجان‌های منفی تأکید می‌ورزند، تجربه‌های هیجانی را سرکوب می‌کنند (اجتنابی‌ها) و موقعیت‌ها را تنیدگی‌زاتر (دوسوگراها) تجربه می‌کنند (گرشام و گالون^{۶۳}، ۲۰۱۲). پس دلبستگی ایمن با اثرگذاری روی هیجان‌ها باعث خواهد شد که افراد بیشتر از راهبردهای سازگار تنظیم هیجان‌ها استفاده کنند، اما دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی باعث استفاده بیشتر از راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان‌ها و در نتیجه تشدید ویژگی‌های شخصیت مرزی در افراد می‌شود.

این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی همراه بود. از آنجایی که جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان بودند و نمونه‌های بالینی اختلال شخصیت مرزی در پژوهش شرکت نداشتند، در تعمیم نتایج باید احتیاط شود. همچنین به دلیل اینکه از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران در تکمیل پرسش‌نامه استفاده شد، در تعمیم نتایج به دانشجویان سایر دانشگاه‌های کشور نیز باید جنبه احتیاط رعایت شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های پیش رو از نمونه بالینی استفاده شود و پژوهش‌های مشابه در سطحی وسیع‌تر و با گروه‌های مختلف انجام گیرد. از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان برای پیشگیری، ارزیابی و درمان افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی بهره گرفت و مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند از این یافته‌ها برای آموزش خانواده‌ها و در کار درمان استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---------------------------------------|---|
| 1. Bateman& Fonagy | 34. Zaki |
| 2. Barlow & Durand | 35. Güler& Karaca |
| 3. Mahmoud Alilou & Sharifi | 36. Dendy & Skowron |
| 4. Shenoy & Praharaj | 37. Karbalaee Mehrizi |
| 5. Pina & Weems | 38. Lesage |
| 6. Kernberg | 39. American Psychiatric Association |
| 7. Fernando | 40. Differentiation of Self Inventory- Short form |
| 8. Linehan | 41. Drake |
| 9. Ainsworth | 42. Fakhari |
| 10. Bowlby | 43. Adult Attachment Inventory |
| 11. Hurger & Bykrv | 44. Hazen & Shiver |
| 12. Serov | 45. Rahimian Boogar |
| 13. Kalkyts & Fax | 46. Diffiiculties in Emotion Regulation Scale |
| 14. Besharat | 47. Gratz & Roemer |
| 15. Mikulincer & Shaver | 48. Personality Assessment Inventory- Borderline Features |
| 16. Pourshahriar & Alizade & Rajaenia | 49. Morey |
| 17. Smith & South | 50. Esmaeilian, Dehghani, Khatibi, & Moradi |
| 18. Fearful avoidant | 51. Baron & Kenny |
| 19. Aguirr | 52. Güler & Karaca |
| 20. Kim | |
| 21. Bowen | |

- | | |
|-----------------------------|----------------------------------|
| 22. Hardy & Fisher | 53. Zaki |
| 23. Sharf | 54. Kaurin |
| 24. Differentiation of self | 55. Gambin |
| 25. Emotional reactivity | 56. Kealy |
| 26. I position | 57. Elliott |
| 27. Emotional cut off | 58. Rosenstein |
| 28. fusion with others | 59. van Dijke & Ford |
| 29. Skowron, & Friedlander | 60. Prochaska, J. O., & Norcross |
| 30. Emotional fusion | 61. emotionally focused therapy |
| 31. Kerr | 62. Mikulincer, M., & Florian |
| 32. Hooper & DePuy | 63. Gresham & Gullone |
| 33. Nichols & Schwartz | |

منابع

- بشارت، م. ع.، (۱۳۹۲). مقیاس دل‌بستگی بزرگسال: پرسش‌نامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی). *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۳۵، ۳۲۰-۳۱۷.
- بشارت، م. ع.، (۱۳۹۷). مقیاس دشواری تنظیم هیجان، اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۱۲(۴۷)، ۹۲-۸۲.
- بشارت، م. ع.، اسدی، م. م.، و تولائی‌ان، ف. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای نظم‌دهی شناختی هیجان، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲(۴۶)، ۱۱۹-۱۰۷.
- پورشهریار، ح.، علیزاده، ح.، و رجایی‌نیا، ک. (۱۳۹۷). تجربه آزار هیجانی کودکی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی در بزرگسالی: نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی و تنظیم هیجانی، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی ایران*، ۲۴(۲)، ۱۶۲-۱۵۳.
- رحیمیان بوگر، ا.، نوری، ا.، عریضی، ح.، ر.، مولوی، ح.، فروغی مبارکه، ع. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالی با رضایت و استرس شغلی در پرستاران، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳(۲)، ۱۵۷-۱۴۸.
- فخاری، ن.، اعتماد، ج.، و لطیفیان، م. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی، *اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۵(۵)، ۵۸-۳۵.
- فدائی، م.، قنبری هاشم آبادی، ب.، و کیمیایی، س. ع. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان فراتشخیصی یکپارچه بر تمایز یافتگی خود و دشواری تنظیم هیجان در مراجعان دارای نشانگان اضطرابی. *دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۱(۱)، ۱-۱۱.
- کربلایی مهریزی، ز.، فرح بیجاری، ا.، و خدابخش، ر. (۱۳۹۳). مقایسه تمایز یافتگی و انسجام خود در افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، افراد مبتلا به اختلال دوقطبی و افراد بهنجار، *علوم رفتاری*، ۸(۱)، ۹۷-۱۰۴.
- کرمانی‌مامازندی، ز.، و طالع‌پسند، س. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دشواری تنظیم هیجان در دانشجویان دانشگاه سمنان، *نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۱۱(۴۲)، ۱۷۷-۱۴۲.
- محمود علیلو، م.، و شریفی، م. ا. (۱۳۹۱). *رفتار درمانی دیالکتیکی برای اختلال شخصیت مرزی*. تهران: انتشارات ناردیس.

- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., & Waters, E. (1978). wall, S. (1978) Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation. Hillsdale, Lawrence Erlbaum Associates.
- Alilou MM, Sharifi M.A(2012). Dialectical behavior therapy for borderline personality disorder]. Tehran: Tehran University Press, 2012 (In Persian).
- American Psychiatric Association. (2013). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder (Revised 5 ed). Washington: American Psychiatric Association
- Barlow, D. H., & Durand, V. M. (2012). *Abnormal Psychology: An Integrative Approach*. Cengage Learning.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(6), 1173.
- Bateman, A., & Fonagy, P. (2010). Mentalization based treatment for borderline personality disorder. *World psychiatry*, 9(1), 11-15.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of adult attachment inventory. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Besharat, M. A. (2013). Adult Attachment Inventory: Questionnaire, Instruction and Scoring Key (Persian Version). *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 19(35), 317-320 (In Persian).
- Besharat, M. A. (2018). Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 12(47), 82-92 (In Persian).
- Besharat, M. A., Asadi, M. M., & Tavalaeayan, F. (2016). Mediating role of ego strength in the relationship between attachment styles and cognitive emotion regulation strategies. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 12(46), 107-119 (In Persian).
- Bowen, M. (1993). *Family therapy in clinical practice*. Maryland: Jason Aronson.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and loss, vol. 1. Attachment. International Psycho-Analytical Library. New York: Basic Book.
- Bowlby, J. (1973). Attachment and loss: Volume II: Separation, anxiety and anger. In *Attachment and Loss: Volume II: Separation, Anxiety and Anger* (pp. 1-429). London: The Hogarth press and the institute of psycho-analysis.
- Bowlby, J. (1975). Attachment theory, separation anxiety, and mourning. *American handbook of psychiatry*; New York: American Handbook of Psychology.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: retrospect and prospect. *American journal of Orthopsychiatry*, 52(4), 664.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base*. New York: Basic Books
- Diamond, G. S., & Stern, R. S. (2003). Attachment-Based Family Therapy for Depressed Adolescents: Repairing Attachment Failures. In S. M. Johnson & V. E. Whiffen (Eds.), *Attachment processes in couple and family therapy* (pp. 191–212). London: Guilford Press.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of self-inventory- short form: creation and initial evidence of construct validity*, Doctoral dissertation in Psychology, University of Missouri-Kansas City.
- Fakhari, N., Latifian, M., & Etemd, J. (2014). A Study of Psychometric Properties of the Executive Skills Scale for Pre-School Children (Parent Form). *Quarterly of Educational Measurement*, 4(15), 35-58 (In Persian).
- Fadaei, M., Ghanbari Hashem Abadi, B. A., & Kimiaee, S. A. (2019). The efficacy of integrated meta-diagnosis therapy on their differentiation and the difficulty of regulating

- excitement in patients with anxiety syndrome. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 61(1), 1-11 (In Persian).
- Fenske, S., Lis, S., Liebke, L., Niedtfeld, I., Kirsch, P., & Mier, D. (2015). Emotion recognition in borderline personality disorder: effects of emotional information on the negative bias. *Borderline Personality Disorder and Emotion Dysregulation*, 2(1), 10-12.
- Fernando, S., Beblo, T., Schlosser, N., Terfehr, K., Otte, C., Löwe, B., ... & Wingenfeld, K. (2014). The impact of self-reported childhood trauma on emotion regulation in borderline personality disorder and major depression. *Journal of Trauma & Dissociation*, 15(4), 384-401.
- Fonagy, P., Luyten, P., & Strathearn, L. (2011). Borderline personality disorder, mentalization, and the neurobiology of attachment. *Infant Mental Health Journal*, 32(1), 47-69.
- Gambin, M., Woźniak-Prus, M., Konecka, A., & Sharp, C. (2020). Relations between attachment to mother and father, mentalizing abilities and emotion regulation in adolescents. *European Journal of Developmental Psychology*, 18(1), 19-38.
- Goldberg, S. (2000). Later development and assessment of attachment beyond infancy. *Attachment and development*. London: Arnold Publishers, 34-51.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54.
- Gresham, D., & Gullone, E. (2012). Emotion regulation strategy use in children and adolescents: The explanatory roles of personality and attachment. *Personality and individual differences*, 52(5), 616-621.
- Güler, Ç. Y., & Karaca, T. (2020). The Role of Differentiation of Self in Predicting Rumination and Emotion Regulation Difficulties. *Contemporary Family Therapy*, 1-11.
- Hardy, N. R., & Fisher, A. R. (2018). Attachment versus differentiation: The contemporary couple therapy debate. *Family process*, 57(2), 557-571.
- Hooper, L. M., & DePuy, V. (2010). Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*, 18(4), 358-368.
- Huprich, S. K., Nelson, S. M., Pagueot, A., Lengu, K., & Albright, J. (2017). Object relations predicts borderline personality disorder symptoms beyond emotional dysregulation, negative affect, and impulsivity. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 8(1), 46-53.
- Karbalae Mehrizi, Z., Farah Bidjari, A., & KHodabakhsh, R. (2014). The comparison of differentiation and integration of self in individuals with borderline personality disorder, bipolar disorder and normal samples. *Journal of Behavioral Sciences*, 8(1), 97-104.
- Kealy, D., Ogrodniczuk, J. S., & Howell-Jones, G. (2011). Object relations and emotional processing deficits among psychiatric outpatients. *The Journal of nervous and mental disease*, 199(2), 132-135.
- Kermani Mamazandi, Z., & Tale Pasand, S. (2018). Psychometric characteristics of difficulties in emotion regulation scale in Semnan University students. *Journal of Instruction and Evaluation*, 11(42), 117-142 (In Persian).
- Kernberg, O. (1975). *Borderline conditions and pathological narcissism*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
- Kerr, M. E., & Bowen, M. (1988). *Family Evaluation. An Approach Based on Bowen Theory*. New York: Norton Press.

- Khoury, J. E., Zona, K., Bertha, E., Choi-Kain, L., Hennighausen, K., & Lyons-Ruth, K. (2020). Disorganized attachment interactions among young adults with borderline personality disorder, other diagnoses, and no diagnosis. *Journal of personality disorders, 34*(6), 764-784.
- Kim, S., Sharp, C., & Carbone, C. (2014). The protective role of attachment security for adolescent borderline personality disorder features via enhanced positive emotion regulation strategies. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment, 5*(2), 125.
- Kline, R. B. (2015). Principles and practice of structural equation modeling. London: Guilford publications.
- Lesage, A. D., Boyer, R., Grunberg, F., Vanier, C., Morissette, R., Ménard-Buteau, C., & Loyer, M. (1994). Suicide and mental disorders: a case-control study of young men. *The American journal of psychiatry, 151*(1), 1063-8.
- Linehan, M. (1993). *Skills training manual for treating borderline personality disorder* (Vol. 29). New York: Guilford press.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (2003). Attachment style and affect regulation: Implications for coping with stress and mental health. *Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes, 535-557*.
- Mikulincer, M., & Shaver, P.R. (2012). An attachment Perspective on Psychopathology. *World Psychiatry, 11*(1), 11-15
- Millon, T., Millon, C. M., Meagher, S. E., Grossman, S. D., & Ramnath, R. (2012). *Personality disorders in modern life*. London: John Wiley & Sons.
- Pourshahriar, H., Alizade, H., & Rajaeinia, K. (2018). Childhood Emotional Abuse and Borderline Personality Disorder Features: The Mediating Roles of Attachment Style and Emotion Regulation. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 24*(2), 148-163 (in Persian).
- Prochaska, J. O., & Norcross, J. C. (2018). *Systems of psychotherapy: A transtheoretical analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Rahimian Boogar, E., Nouri, A., Oreizy, H., Molavi, H., & Foroughi Mobarake, A. (2007). Relationship between adult attachment styles with job satisfaction and job stress in nurses. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology, 13*(2), 148-157.
- Rosenstein, L.K., Ellison, W.D., Walsh, E., Chelminski, I., Dalrymple, K., & Zimmerman, M. (2018). The Role of Emotion Regulation Difficulties in the Connection Between Childhood Emotional Abuse and Borderline Personality Features. *Personality Disorders, Theory, Research, and Treatment, 9*(6), 590-594
- Sharf, R. S. (2015). *Theories of psychotherapy & counseling: Concepts and cases*. Cengage Learning. Boston: Cengage Learning.
- Shenoy, S. K., & Praharaj, S. K. (2019). Borderline personality disorder and its association with bipolar spectrum and binge eating disorder in college students from South India. *Asian journal of psychiatry, 44*, 20-24.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary family therapy, 26*(3), 337-357.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of self-inventory: development and initial validation. *Journal of counseling psychology, 45*(3), 235.
- Skowron, E., Duch-Ceballos, & C., Oliver Pece, J., (2020). Differentiation of self and Its relationship with emotional self-regulation and anxiety in a spanish sample. *The American Journal of Family Therapy, 1-17*.
- Smith, M., & South, S. (2020). Romantic attachment style and borderline personality pathology: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review, 75*, 101781.

- van Dijke, A., & Ford, J. D. (2015). Adult attachment and emotion dysregulation in borderline personality and somatoform disorders. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, 2(1), 6.
- Weems, C. F., & Pina, A. A. (2010). The Assessment of emotion regulation: Improving construct validity in research on psychopathology in youth-an Introduction to the Special Section. *Journal of Psychopathol Behav Assess*, 32,1-7.
- Zaki, L. F., Coifman, K. G., Rafaeli, E., Berenson, K. R., & Downey, G. (2013). Emotion differentiation as a protective factor against nonsuicidal self-injury in borderline personality disorder. *Behavior therapy*, 44(3), 529-540.